

یادداشت

از اعتراض معلمان در ۳۰ بهمن و ۳ اسفند حمایت کنیم!

صادق کار



حمایت عملی و حضور مردم در خیابان های شهرهایی که در آنها تجمع های اعتراضی انجام می شود و خاصه حمایت، کارگران، کارمندان، دانشجویان و دانش آموزان دوره های آموزشی راهنمایی و دبیرستان و اولیای دانش آموزان برای رسیدن معلمان به مطالبات شان تاثیر اساسی دارد. بیاید همگی در روزهای ۳۰ بهمن و ۳ اسفند به خیابان بیاییم و فریاد ما همه معلم ایم را طنین انداز کنیم! خواسته های معلمان از آن همه عدالتخواهان، زحمتکشان و آزادیخواهان، فریاد مردم به تنگ آمده از فقر و تحقیر و تبعیض، فریاد کودکان کار و خیابانی و بی خانمان شدگان است. همراه شو رفیق تا با هم برکنیم ریشه فقر و استبداد

مبارزات فشرده و پیاپی معلمان و فرهنگیان طی دو سه ماه اخیر حول مطالبات شان هر بار با اقبال و استقبال فزون تری نسبت به دفعات پیش روبه رو شده و دامنه اعتراضات معلمان شاغل و بازنشسته هم به لحاظ کثرت شرکت کننده و هم جغرافیا وسیعتر شده است و توجه های بسیاری از مردم را به خود جلب نموده است و میان مسئولین حکومتی شکاف و اختلاف بوجود آورده است. در اثر اعتراضات مجلس و دولت اندکی از مواضع گذشته شان عقب نشسته اند اما هنوز بر سر اجرای رتبه بندی که خواسته اصلی معلمان است و بر سر بودجه آن در حال کشاکش هستند

تشدید تلاشهای سرکوبگرانه حکومت علیه معلمان و رهبران و فعالان و هدایتگران این جنبش نیز نتوانسته است این جنبش خروشان و مردمی را که برای خود جای در قلوب معلمان و زحمتکشان و عدالت خواهان پیدا کرده از جوش و خروش فزاینده باز دارد

این جنبش نه تنها نتیجه سالها مبارزه و تجربه است بلکه محصول شرایط بحران های کنونی جامعه و خشم و اعتراض نسبت به حکومت است. خشم و اعتراضی که سراسر جامعه را در بر گرفته هم هست. هم از این رو مبارزات معلمان شور و شوق و امید و ولوله ای در جامعه بر پا نموده است. خود این جنبش گویای بیرون آمدن جامعه از سکوت و سکون است و از چنان روشهای مبارزاتی بهره می گیرد که نمی توانند به مانند خیزش دی و آبان و به سیاق آن با کشتار و سرکوب آن را به محاق ببرند. حرکتی عمیقاً دموکراتیک، مستمر و با



برنامه مدون و هدف معیین و رهبرانی بر آمده از دل یک مبارزه سخت و طولانی است که از حمایت های گسترده گروه های اجتماعی برخوردار شده است. حرکتی که تنها در فکر و پیگیر منافع خاص صنفی خود نیست، خواسته های مترقیانه دیگری هم دارد که با بسیاری از اقشار دیگر مشترک اند. حق تحصیل رایگان، مخالفت با خصوصی سازی آموزش، مخالفت با پولی شدن مدارس دولتی، با تبعیض آموزشی و... این خواسته ها در جامعه بطور وسیع مطرح هستند و از عوامل طبقاتی کردن جامعه و مصادیق بارز بی عدالتی هستند. جنبشی تک بعدی و یکسو نگر و سکتاریست نیست

اما جنبش معلمان فقط در میان مردم شور و شوق به پا نکرده است، حاکمان ستمگر و مستبد را نیز به حول و وله انداخته و درمانده کرده است.

از یکسو نمی خواهند تن به خواسته های برحق معلمان که اکثرشان خواسته های بخش های وسیعی از جامعه هم هست تن در دهند چون نگران تاثیرات آن روی بقیه گروه های مطالبه گر هستند، از سوی دیگر می دانند اگر به خواسته ها پاسخ در خور ندهند، قضیه بیخ پیدا می کند و به جایی ممکن است ختم شود که خوش آیندشان نخواهد بود

همین برخورد هایی که با قضیه رتبه بندی می کنند و اختلافاتی که بر سر آن دارند، خود گویای نگرانی و درماندگی و چند دستگی است که حرکت معلمان در میان شان بوجود آورده است. تا قبل از بالا گرفتن اعتراضات علنا می گفتند حاضر به اجرای طرح نیستند، وقتی دیدند قضیه بیخ پیدا کرده و وضعیت به گونه ای نیست که مانند دهه هشتاد با سرکوب شدید اعتراضات را فرو نشانند، با اختصاص ۱۲ و نیم هزار میلیارد موافقت کردند و چون اعتراضات ادامه پیدا کرد و عده ۲۵ هزار میلیارد در سال اول را دادند و باز هم بخاطر تداوم و گسترش اعتراضات تا دادن و عده ۴۰ هزار میلیارد هم پیش رفتند. سپس خبر مخالفت رئیسی با طرح مطرح شد و متعاقب آن سخنگوی دولت، وزیر آموزش و پرورش و سخنگوی کمیسیون تلفیق بودجه آن را مجهول خواندند و رد کردند

"رحیم زارع، سخنگوی این کمیسیون گفته، «مبلغ ۴۰ هزار میلیارد تومان» پیش بینی شده است"

دلیل اصلی این تائید و تکذیب ها چیزی غیر از دادن فراخوان جدید برای دور دیگری از اعتراض در ۳۰ بهمن و ۳ اسفند توسط شورای هماهنگی تشکلهای فرهنگیان نیست. دولت و مجلس در واقع سیاست با یک دست کشیدن به پیش و با دست دیگر پس زدن را فعلا پیشه کرده اند. دلیل آن نیز بواسطه نگرانی هایی است که در بالا به آن اشاره شد. طبعاً این یک سیاست موقتی و ناپایدار است و تغییر آن بیستگی تام و تمام به موفقیت شورای هماهنگی در اعتراضات آینده دارد

دستگاه سرکوب تضعیف شده است و دچار چند دستگی است، مبارزه معلمان کاملاً مدنی و مسالمت آمیز و با نظم و ترتیب و مدیریت است و مطابق اصل ۲۷ قانون اساسی مجاز می باشد، خواسته های معلمان به حق و انجام شدنی هستند و افکار عمومی نیز از حرکت و مطالبات معلمان پشتیبانی می کنند. گستردگی جغرافیایی اعتراضات هم مانع جدی بر سر راه دستگاه سرکوب است و وضعیت بد معیشتی معلمان هم انگیزه شمار بیشتری از معلمان برای شرکت در اعتراضات است. بازداشت رهبران معلمان نیز اگر بیشتر شود مشکلی را حل نمی کند زیرا آنقدر رهبر از درون مبارزات سر بر آورده اند که جای خالی دستگیر شدگان را به سرعت پر می کنند

با این وصف حمایت عملی و حضور مردم در خیابان های شهرهایی که در آنها تجمع های اعتراضی انجام می شود و خاصه حمایت، کارگران، کارمندان، دانشجویان و دانش آموزان دوره های آموزشی راهنمایی و دبیرستان و اولیای دانش آموزان برای رسیدن معلمان به مطالبات شان تاثیر اساسی دارد. بیاید همگی در روزهای ۳۰ بهمن و ۳ اسفند به خیابان بیاییم و فریاد ما همه معلم ایم را طنین انداز کنیم! خواسته های معلمان از آن همه عدالتخواهان، زحمتکشان و آزادیخواهان، فریاد مردم به تنگ آمده از فقر و تحقیر و تبعیض، فریاد کودکان کار و خیابانی و بی خانمان شدگان است. همراه شو رفیق تا با هم بر کنیم ریشه فقر و استبداد

!

از اعتراض و مطالبات معلمان و فرهنگیان حمایت کنیم!

اعتصاب و تشکل جزء حقوق بدیهی کارگران و مزد و حقوق بگیران است!

کار بی ثبات: قاعده یا استثنا در سرمایه داری؟

الویسا بتی



تاریخ نگری به یک مباحثه امروزی، یک منظر جنسیتی جهانی بخش هشتم

ایده "مدل اشتغال استاندارد" همچون یک قاعده، در سطح تجربی نیز با مطالعاتی که بر دیدگاه جنسیتی-تاریخی اتکا دارند، دستخوش تردید و نفی شده است. این مطالعات با بررسی تجربه زنان و مهاجران در کار بی ثبات وجود اشکال تولید و شرایط کاری مختلف اما همزمان را در هر دو دوره فوردیسم و پسافوردیسم، و درجات این اشکال را نشان می دهند. صفیه به وضوح نشان داده که چگونه از دهه ۱۹۵۰ تا کنون، بی ثبات کاری شاخص (Saffia Elisa Shaukat) الیسه شوکت شرایط کار و زندگی کارگران فصلی ایتالیایی، که به سونیس مهاجرت کرده اند، بوده است.

تردید در قاعده، ساختارشکنی استثنا - ادامه

جودی فاج (Judy Fudge) و رزماری اوون (Rosemary Owen) نیز، به سیاق محققان عرصه حقوق، ایده کار بی ثبات همچون یک پدیده جدید در حیات سرمایه داری را مورد تردید قرار داده اند. آنها این گزاره را پیش می کشند که که "کشف" کار بی ثبات در دهه ۱۹۸۰ با کاهش "مناسبات استخدامی استاندارد" در میان مردان همراه بود، زیرا زنان حتی قبل از آن نیز اشکالی از بی ثباتی شغلی را تجربه کرده بودند. به گفته فاج و اوون، ادعای جدید بودن کار ناپایدار نتیجه یک رویکرد چشم بسته جنسیتی است که توسط محققان و سیاست گذاران اتخاذ شد. اینها بودند که به "مناسبات استخدامی استاندارد" به عنوان یک قاعده نگاه می کردند، در حالی که این مناسبات در واقع تنها گروه خاصی از کارگران مرد را که به کار در بخش تولیدات سنگین اشتغال داشتند، مشخص می کرد. گسترش کار بی ثبات همراه با به اصطلاح "زنانه شدن جهانی کار" موجب تغییراتی در هنجارهای قانونی شده است. فاج و اوون با مطالعه رابطه بین کار بی ثبات و تغییر هنجارهای قانونی نشان می دهند که



قوانین و سیاستهای ملی در طول تاریخ نقش‌های جنسیتی در کار را وسیعاً و عمیقاً تقویت کرده‌اند: بر اساس این قوانین زنان شاغل معمولاً در مشاغل موقتی‌تر، بی‌ثبات‌تر و متزلزل‌تر استخدام می‌شده‌اند.

ایده "مدل اشتغال استاندارد" همچون یک قاعده، در سطح تجربی نیز با مطالعاتی که بر دیدگاه جنسیتی-تاریخی اتکا دارند، دستخوش تردید و نفی شده است. این مطالعات با بررسی تجربه زنان و مهاجران در کار بی‌ثبات وجود اشکال تولید و شرایط کاری مختلف اما همزمان را در هر دو دوره فوردیسم و پسافوردیسم، و درجات این اشکال را نشان می‌دهند. صفیه الیسه شوکت (Saffia Elisa Shaukat) به وضوح نشان داده که چگونه از دهه ۱۹۵۰ تا کنون، بی‌ثبات کاری شاخص شرایط کار و زندگی کارگران فصلی ایتالیایی، که به سوئیس مهاجرت کرده‌اند، بوده است. مطالعات خود من در مورد کارگران زن ایتالیایی در ۶۰ سال گذشته نیز نشان داده است که تقسیم کار جنسی و تبعیض مبتنی بر جنسیت تا چه میزان در کانون و ذات جنسیتی کار بی‌ثبات قرار داشته است و شرایط کار زنان را در تمام بخش‌های اقتصادی مشخص می‌کرده است؛ خواه در جوامع صنعتی و خواه در جوامع فراصنعتی.

قاعده مندی "استثنا"

از نقطه نظر جنوب جهانی، کار تقریباً همیشه کار بی‌ثبات بوده است. رونالد مانک (Ronald Munck) با نقد اصالت و اهمیت ایده "پرکاریا" (بی‌ثبات کار) که گای استندینگ (Guy Standing) ابداع کرد*، سهم قابل توجهی را در درک نقش کار بی‌ثبات در طول تاریخ سرمایه داری فراتر از کشورهای غربی ادا کرده است. نقد مونک از نوشته‌های مربوط به کار بی‌ثبات (و بی‌ثبات کاران) یک نقد اساسی است: نقطه مرجع تجربی آن عمدتاً شمال محور است؛ زیرا، چنان که خود او تصریح می‌کند، "شمال جهانی شناخت اندکی از آنچه با اصطلاح "کار بی‌ثبات" توصیف شده، دارد در حالی که کار بی‌ثبات همیشه در جنوب جهانی معمول بوده است. از یک دیدگاه جهانی، از آنجا که فوردیسم/ دولت رفاه/ مدل کینزی «استثنائاتی بر قاعده» بودند، به عنوان مفاهیمی برای سنجش وضع در جنوب جهانی فاقد اعتبار و اهیت‌اند. با این حال، اهمیت دولت پسااستعماری در جنوب جهانی، در شکل دادن به تجربه جنوب از کار بی‌ثبات نمی‌تواند دست کم گفته شود."

عدم امکان ترجمه گفتمان کار بی‌ثبات به عنوان توصیفی عام از کار معاصر در مقیاس جهانی به وضوح در مواجهه با واقعیت‌های جنوب جهانی پدیدار شد، زیرا مفهوم بی‌ثباتی - چه از نظر تحلیلی و چه از نظر سیاسی - در تقابل با افول فوریسم و دولت رفاه در شمال ساخته و پرداخته شده است. به گفته مونک، نیلسون-روسینتر و دیگران، مفاهیم بی‌ثباتی شغلی و کار بی‌ثبات، باید بر متن و زمینه‌ای فهمیده و مفهوم بخشی مجدد شود که در آن "مدل استخدام استاندارد" هرگز مبین مناسبات استخدامی استاندارد نبوده و برعکس، کیفیات غیررسمی کار همیشه معمول و مسلط بوده‌اند.

از اعتراضات و مطالبات کارگران و مزد و حقوق بگیران حمایت کنیم!

**دستمزد و حقوق و سایر مطالبات کارگران و مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته
باید به موقع و منظم پرداخت شود!**

مصوبه ای دیگر علیه حقوق کارگران در برنامه بودجه دولت

صادق



حسن حبیبی عضو هیئت مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار که تشکلی وابسته به حکومت است در نامه‌ای که در هفته جاری خطاب به کارگران نوشت خبر از وجود تبصره‌ای در برنامه بودجه سال ۱۴۰۱ دولت داده و پس از اظهار نگرانی از عواقب تصویب آن در مجلس به کارگران هشدار داده است.

قضیه هشدار او بر می‌گردد به دور زده شدن شورای عالی کار توسط دولت که در قانون کار بعنوان مرجع تعیین دستمزد معین شده است. ایراد او بر می‌گردد به تبصره ۱۲ ماده واحده بودجه سال آینده که در مورد میزان افزایش دستمزد کارگران شاغل در موسسات دولتی هم مقررات تازه وضع نموده و هم میزان افزایش دستمزد کارگران را ۱۰ درصد منظور نموده است.

تبصره ۱۲ ماده واحده موضوع حقوق و دستمزد کارکنان تابع قانون کار در گزارش شور دوم کمیسیون تلفیق مجلس شورای اسلامی " که با اصلاحات و الحاقات به تصویب رسید

۱/۴ حقوق و مزایای فوق العاده کارکنان تابع قانون کار که در وزارتخانه‌ها و شرکت‌های دولتی مشغول به کار هستند ده "افزایش می‌یابد (۱۰٪)

حبیبی این اقدام را خلاف قانون کار که تعیین دستمزد کلیه کارگران مشمول قانون کار شاغل در بخش دولتی و خصوصی را به شورای عالی کار سپرده می‌داند و با آن مخالفت نموده و علت آن را از دولت و مجلس به قول خودش "انقلابی" جویا شده است.

در برنامه بودجه دولت دستمزد و حقوق کارگران شاغل در موسسات دولتی گفته شده

رشد حقوق، مزایا و فوق العاده‌های کارکنان تابع قانون کار که در وزارتخانه‌ها و شرکت‌های دولتی مشغول به کار هستند " ۱/۴- مجموع مبلغ مندرج در آخرین حکم کارگزینی سال ۱۴۰۰ به علاوه پنج میلیون و سیصد و سی و هشت (۳٪) نمی‌تواند از سه درصد "ریال بیشتر باشد (۵۳۳۸۰۰۰) هزار

عضو هیئت مدیره کانون شوراهای اسلامی کار در نامه خود که در واقع مخاطبان آن هم دولت و مجلس "انقلابی" و هم کارگران هستند از مجلس می‌خواهد "بند ۱-۴ تبصره ۱۲ ماده واحده لایحه ۱۴۰۱ را به فوریت از دستور کار خارج نمایند." او در ادامه به کارگران و تشکلهای کارگری هشدار می‌دهد اگر تبصره مربوطه از برنامه بودجه حذف نشود بعد از آن هم مزد منطقه‌ای تصویب خواهد شد و هم قانون کار و شورای عالی کار از حیظ انتفاع ساقط خواهد شد.



ایرادهای این عضو شوراهای اسلامی به تبصره نام برده و پیامدهای آن از لحاظ قانونی مستند هستند، ولی مشکل این جاست که دور زدن و اصولاً به هیچ انگاشتن قوانین در حکومت و نهاد های بر آمده از آن موضوعی نیست که امروز اتفاق می افتد. قانون شکنی عمری به درازای عمر رژیم فقهاتی دارد. بطور کلی هر قانونی که ولو ذره ای به نفع حقوق مردم و طبقات محروم وجود داشته همه یکی پس از دیگری یا در جهت منافع صاحبان قدرت و ثروت منحل و تعدیل و از محتوا تهی شده اند و یا آنهایی هم که باقی مانده اند را برای شان پیشیزی ارزش قائل نیستند و خلاف آنها با مردم رفتار می کنند.

این مسائل هم با این نامه نگاری ها و خواهش و تمنا ها تا کنون حل نشده و نخواهد شد. برای مقابله موثر با این حق کشی ها مداوم و به زیر کشیدن بانیان آن از اریکه قدرتی که غصب کرده اند به تشکیلات مبارز نیرومند و مستقل نیاز است که بتواند با سازماندهی اعتراضات کارگری به این کار مهم نائل شود. سرکردگان منتسب تشکلهای حکومتی در واقع جز موانع ایجاد سازمان های کارگری واقعی و مستقل و رسیدن کارگران به حق و حقوق شان هستند. به تبع آن کردار و گفتارشان نیز به واقع با همه رنگ و لعابی که به آن می زند، خریداری میان کارگران ندارد.

صحبت های این عضو هیئت مدیره کانون شوراهای اسلامی نیز از همین قسم و مربوط به اختلافی است که با وزیر کار بر سر موقعیت نمایندگان شان در شورای عالی کار پیدا کرده اند. بند کردن به تبصره برنامه بودجه در واقع دست آویزی است تلافی جویانه

حبیبی و تشکل مطبوع شان ۴۳ سال است که نه تنها شاهد و ناظر و حتا دخیل در این قانون شکنی ها بوده اند و اقدامی برای متوقف کردن آن نکرده اند، بلکه همواره از عوامل قانون شکن و بانیان مستبد آن حمایت و به آنان رای داده اند.

آقای حبیبی مگر یادش رفته است که از زمان تصدی رئیسی جنایتکار در مقام ریاست قوه عدالت ستیز قضایی تا منصوب شدن او به سمت رئیس جمهور به همراه تشکیلات کذایی و سر سپرده اش از هیچ حمایت و فریبکاری برای ترغیب و تشویق کارگران برای رای دادن به رئیسی دریغ نورزید. و در انتصابات مجلس نیز که از طرف ۸۵ درصد مردم تحریم شد مگر این جماعت برای کشاندن کارگران به پای صندوق ها و رای دادن به دشمنان شان یعنی همین هایی که هم اکنون در مجلس نشسته اند و لایحه پشت لایحه علیه حقوق کارگران و مزدگیران به تصویب رساندند کم فریبکاری کردند،

مگر تشکیلات شوراهای اسلامی و انجمن های حکومتی نبود که نامه پشت نامه برای رای دادن به همین وزیر کار وابسته به باندهای مافیایی به مجلس می نوشت. از این مجلس و دولت و وزیر کارش مگر می شود انتظار داشت که قانون را نقص نکنند، حقوق کارگر را احترام بگذارد؟ دست از فریبکاری و ریاکاری و تظاهر بردارید. دست همه شما در یک کاسه است. تاکنون کم از این نامه ها ننوشته و !کم از این تهدیدات تو خالی نکرده اید، ولی دریغ از یک اقدام

و اما ببینیم شورای عالی کار که هنوز به گفته حبیبی "از حیظ انتفاع" ساقط نشده، تا کنون برای بهبود دستمزد کارگر چه کرده است. در تمام سالهای که این شورا مسئول تعیین دستمزد بوده است، سابقه نداشته که برای یک بار هم که شده دستمزد کارگر را ولو اندکی بهبود بدهد. سال به سال سطح دستمزدهای حقیقی تنزل یافته و نتیجه اش همین دستمزدهای زیر خط فقر است. در زمان جنگ که دستمزدها اضافه نمی شد و این شورای کذایی نقشی در تعیین دستمزد نداشت، وضعیت دستمزدها به جرات می توان گفت که به مراتب نسبت به هزینه ها متعادلتر بود. گوشت و برنج و مرغ هنوز بکلی از سفره ها محو نشده بود و کرایه و قیمت مسکن هم قابل تحملتر بود.

سیاست مزدی دولت و مجلس روشن است، این سیاست اگر در دوره روحانی ناظر بر منجمد کردن دستمزدها بود، اینک متوجه تقلیل دستمزدها است. شواهد روشن آن همین افزایش اسمی ۱۰ درصد به حقوق کارکنان دولت است که ۴۰ درصد کمتر از نرخ تورم کالاهای اساسی است. اسم این کار اگر تقلیل نیست پس چیست. همین واقعیت در مورد مبلغ عیدی کارمندان دولت، کارگران شاغل در بخش های دولتی هم صدق می کند. میزان افزایش دستمزد در شورای عالی کار نیز شامل همین سیاست می شود. سطح دستمزد عموم کارگران اگر کمتر از کارکنان دولت نباشد، بیشتر نخواهد بود. جهت مبارزه باید علیه سیاست تقلیل دستمزدها و برای افزایش باشد. بقیه قضایا فرعی هستند و فرا افکنانه

از مبارزه بازنشستگان برای همسان سازی، افزایش حقوق و بیمه درمانی موثر و رایگان حمایت کنیم!

دولت باید به همه بیکاران حقوق بیکاری پرداخت کند!

ایجاد اشتغال برای بیکاران وظیفه دولت است!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



این اولین بار نیز که کارگران فولاد اعتصاب می کنند. آنها بارها در سالهای گذشته نیز اعتصاب های بزرگی داشته اند، اما اکثر مطالبات شان با وجود اعتصابات مکرر برآورده نشده. علت اصلی آن هم نداشتن تشکل پایداری است که مطالبات را پیگیری و در هنگام ضرورت اعتصابات هدفمند را سازماندهی کند.

همچنین بازنشستگان صنعت فولاد نیز قصد دارند از ۳۰ بهمن تا ۳ اسفند تجمعات اعتراضی دیگری را برگزار کنند. این تجمع ها قرار است در تهران مقابل مجلس و در شهرهای دیگر مقابل دفاتر فولاد برگزار گردد. با آرزوی توفیق برای این عزیزان و امید اینکه کارگران شاغل فولاد همکاران بازنشسته شان را نیز حمایت کنند. معلمان در ۳۰ بهمن و ۳ اسفند تجمع اعتراضی سراسری برگزار می کنند.

به گزارش کانال تلگرامی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان معلمان و فرهنگیان شاغل و بازنشسته به دلیل پاسخ ندادن دولت و مجلس به خواسته هایشان، در روزهای ۳۰ بهمن و ۳ اسفند تجمع های اعتراضی دیگری را برگزار می کنند، مطالبات معلمان در تجمع های دو روزه همان مطالبات پاسخ داده نشده پیشین است. انتظار می رود تجمع های دو روزه که به درخواست شورای هماهنگی قرار است برگزار شود با استقبال بیشتری از تجمع های پیشین روبرو شود. تا کنون تعدادی از تشکلهای مستقل کارگری از آن جمله شورای سازماندهی کارگران پیمانی نفت با انتشار بیانیه ای از اعتراض و مطالبات معلمان حمایت کرده اند. همچنین نیروهای مترقی عدالتخواه به اشکال مختلف نیز پشتیبانی شان از حرکت و خواسته های معلمان را اعلام کرده و اطلاعات موجود حاکی از همراهی گسترده افکار عمومی از حرکت معلمان دارد. ما در جنگ کارگری نیز بار دیگر پشتیبانی خود را از خواسته ها و مبارزات به حق معلمان و بازنشستگان اعلام می داریم و همبستگی مان با معلمان مبارز و عدالتخواه را اعلام می کنیم.

کارگران فولاد از مبارزه برای افزایش دستمزد تا مبارزه علیه مافیا

پس از آنکه مدیران فولاد اهواز به اخطار هفته گذشته کارگران برای افزایش دستمزد و چند مطالبه دیگرشان توجهی نشان ندادند، بار دیگر در اهواز به خیابان ریختند تا به مدیران فولاد و روسای بالا دستی شان نشان دهند که برای پیگیری مطالب شان تا چه حد جدی هستند.



تظاهرات خیابانی کارگران که از ۲۴ بهمن شروع شد همچنان ادامه دارد. کارگران معترض در جریان اعتراضات شان خواستار استعفای مدیر کارخانه شدند و شعارهای نیز علیه مافیای حاکم بر فولاد سر دادند و اسامی تعدادی از آنان را در دومین روز اعتراض خود اعلام کردند.

گفتنی است که کارخانه های تولید فولاد با وجود اینکه دولت سنگ آهن، برق و گاز ارزان در اختیارشان قرار می دهد و مالیات کمتری گفته می شود می دهند، حاضر به دادن دستمزد مکفی به کارگران شان که در گرمای جهنمی کارخانه و در شرایط بسیار دشوار زحمت می کشند و ارزش اضافی ایجاد می کنند نیستند. هر وقت هم اعتراض می کنند چون فاقد تشکل هستند مدیران کارخانه به اعتراض آنان وقعی نمی گذارند. اینک اما فشار گرانی و تورم و دستمزدهای زیر خط فقر و امتناع مدیران نجومی بگير کارخانه از پذیرش خواسته های کارگران که در هفته گذشته در نامه اخطار گونه ای در اختیار مدیریت قرار دادند آنان را به اعتراض خیابانی کشاند.

این اولین بار نیز که کارگران فولاد اعتصاب می کنند. آنها بارها در سالهای گذشته نیز اعتصاب های بزرگی داشته اند، اما اکثر مطالبات شان با وجود اعتصابات مکرر برآورده نشده. علت اصلی آن هم نداشتن تشکل پایداری است که مطالبات را پیگیری و در هنگام ضرورت اعتصابات هدفمند را سازماندهی کند.

همچنین بازنشستگان صنعت فولاد نیز قصد دارند از ۳۰ بهمن تا ۳ اسفند تجمعات اعتراضی دیگری را برگزار کنند. این تجمع ها قرار است در تهران مقابل مجلس و در شهرهای دیگر مقابل دفاتر فولاد برگزار گردد. با آرزوی توفیق برای این عزیزان و امید اینکه کارگران شاغل فولاد همکاران بازنشسته شان را نیز حمایت کنند.

تجمع اعتراضی همزمان بازنشستگان در شهرهای مختلف در ۲۴ بهمن

بازنشستگان تامین اجتماعی در یکشنبه این هفته به دعوت تشکلهای مستقل بازنشستگان در بسیاری از شهرهای کشور در مقابل مجلس و مراکز تامین اجتماعی تجمع نمودند. در تجمع این هفته بازنشستگان که وسیعتر از دفعات پیش بود، معترضین خشمگین از رد لایحه همسان سازی توسط دولت و مجلس خواستار تصویب لایحه جهت دائمی شدن همسان سازی شدند.

افزون بر آن بازنشستگان به تنگ آمده از گرانی دارو و افزایش هزینه های پزشکی خواستار بیمه موثر و رایگان و افزایش حقوق های بازنشستگی متناسب با هزینه های واقعی زندگی و آزادی اسماعیل گرامی فعال صنفی بازنشسته زندانی شدند. در تجمعات شعار های نیز علیه مجلس و دولت بخاطر نادیده گرفتن مطالبات بازنشستگان و امتناع از پذیرش مطالبات به حق شان داده شد. با این وجود اعتراضات بازنشستگان تا زمانی که پاسخ درخور نگیرند بعید است متوقف شود.

روزنامه بهار نیوز یکی از محدود رسانه های مجاز که گزارشی از از تجمع های یکشنبه این هفته بازنشستگان انتشار داد نوشت:

تصاویر دریافتی از استان های مختلف از جمله تهران، خوزستان، خراسان، کردستان، فارس، کرمانشاه و حاکیست اعتراض " بازنشستگان به اجرا نشدن طرح همسان سازی حقوق و مستمری ماهیانه بازنشستگی و عدم پرداخت سایر مطالبات صنفی از قبیل اجرای کامل بیمه تکمیلی و پرداخت هزینه های درمانی در دوران بازنشستگی است. بازنشستگان تامین اجتماعی با سر دادن شعار «حقوق ما ریالی - هزینه ها دلاری» خواستار توجه مسئولان به مطالبات اقتصادی خود شدند. پیش از این نیز بازنشستگان شهرهای مختلف کشور در تجمعات اعتراضی مشابه خواسته های خود را مطرح کرده بودند و به وعده های بی عمل مسئولان و سوء مدیریت و ناکارآمدی ها "اعتراض دارند

اعتصاب کارگران کیان تایر

کارگران کارخانه کیان تایر در ۲۵ بهمن در اعتراض به پرداخت نشدن به موقع و منظم مطالبات مزدی شان اعتصاب و در محوطه کارخانه تجمع و با آتش زدن چند حلقه تایر خشم و اعتراض شان را نسبت به پرداخت نکردن مطالبات شان نشان دادند. گفتنی است که پیش از این نیز کارگران چند بار دیگر مبادرت به اعتصاب و بستن جاده اسلامشهر کرده بودند. در این کارخانه نیز تشکل مستقل وجود ندارد و یکی از دلایل دست نیافتن کارگران به مطالبات شان است.

اعتصاب کارگران موتور ژن تبریز

کارگران قراردادی شرکت موتور ژن تبریز دوباره در ادامه اعتراضات حق طلبانه خود اعتصاب کردند. خواسته های کارگران افزایش دستمزدهای زیر خط فقر، لغو قرارداد موقت و امتناع مدیریت شرکت از اجرای وعده های مدیریت در جریان اعتصابات گذشته است. مشخص شدن وضعیت بیمه کارگران قراردادی، قرار گرفتن تحت پوشش بازنشستگی در کارهای سخت و زیان آور و کاهش حقوق های نجومی مدیران شرکت هستند. گفتنی است که این اعتصاب بیش از یک هفته است که ادامه دارد.



اعتصاب دوباره کارگران سیمان سپاهان

کارگران کارخانه سیمان سپاهان در ۱۷ بهمن برای چندمین دفعه اعتصاب کردند. خواسته های کارگران اعتصابی افزایش دستمزدهای زیر خط فقر و تامین امنیت شغلی است. گفتنی است که کارفرما هر گاه کارگر حق طلبی برای احقاق حق خودش و همکاران اش اقدام نموده او را از کار اخراج کرده و چون اکثر کارگران با قرارداد موقت کار می کنند به راحتی و بدون هر مانع حقوقی آنان را از کار اخراج می کند. کارگران اینک خواهان بازگشت به کار همکاران اخراجی شده شان که بخاطر مطالبه گری و دفاع از حقوق کارگران اخراج شده اند هستند. کارفرما تا کنون از تشکیل تشکل در کارخانه جلوگیری نموده و کارگران فاقد تشکل مستقل هستند که بتواند از حقوق شان دفاع کند و مانع خیره سری کارفرما که با کارگران زحمتکش همچون بردگان رفتار می کند بشود.

تجمع کارگران کاغذ سازی پارس

به گزارش کانال تلگرامی سندیکای هفت تپه کارگران کاغذ سازی پارس واقع در شهرستان شوش در ۲۰ بهمن تجمع کردند. بنا به گزارش این کانال کارگری علت تجمع کارگران مقابل فرمانداری عدم رسیدگی کارفرما به مطالبات کارگران بوده است. کارگران از اجرای نابرابر طرح طبقه بندی که منجر به افزایش عادلانه دستمزدها نشده است. کارگران خواهان تجدید نظر در طرح شدند. اعتراض به کاهش زمان قرارداد ها و پایان دادن به حضور شرکتهای پیمانی دلالتی از دیگر مطالبات کارگران است.

حمایت شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت از اعتراضات و مطالبات ۳۰ بهمن و ۳ اسفند معلمان

اعتراض معلمان شریف اعتراض ما کارگران نیز هست

معلمان شریف برای روزهای سی ام بهمن و اول اسفند فراخوان برپایی تجمع داده اند

اعتراض آنها به وضع بد معیشتی و تبعیض ها و نابرابری ها و نیز به حقوقهای نجومی و اختلاسگریها یک درد همگانی است و برحق است. همانطور که معلمان تاکید کرده اند مطالبات آنها صرفا معیشت محور نیست؛ بلکه معلمان بر آموزش با کیفیت و غیر ایدئولوژیک و تحصیل رایگان برای همه کودکان، پایان دادن به خصوصی سازی ها و کالایی کردن آموزش و یک آموزش و پرورش مدرن شاد و انسانی تاکید دارند.

این ها همه مطالبات ما کارگران و همه ما مردم است. بنابراین به سهم خود حمایت خود را از مبارزات و مطالبات معلمان اعلام میکنیم

بعلاوه اینکه بعنوان والدین دانش آموزان هر کجا که باشیم لازمست در این تجمعات شرکت کنیم

در محل تجمعات همبستگی خود را اعلام کنیم و با به دست گرفتن شعار تحصیل با کیفیت و رایگان برای همه کودکان در کنار معلمان شریف بایستیم و حق و حقوق خود را طلب کنیم

از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران برای ایجاد سندیکا و تشکلهای مستقل کارگری حمایت کنیم!

متحدانه برای آزادی کارگران، معلمان و زندانیان مدنی و سیاسی مبارزه کنیم!

متحدانه علیه سیاست فقر و فلاکت آور شوک درمانی و آزاد سازی قیمتها مبارزه کنیم!



تصویری از حضور پرشمار معلمان زن در تجمع اعتراضی ۳۰ بهمن ۱۴۰۰ معلمان شاغل و بازنشسته



بازداشت شبنم هارفر در تجمع معلمان البرز



حمایت شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت از مبارزات و مطالبات معلمان



تجمع کارگران معدن زغال سنگ البرز شرقی دامغان

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کارگرگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را**

می توانید در آدرس زیر ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>